

# ایران

امام علی(ع)؛

دانا کسی است که اندازه و قدر خود را بشناسد و برای نادان، همین بس که اندازه خود را نداند.



سخن روز

نهب البلاغه، خطبه ۱۰۲

نگاره

«غزه» همیشه استوار



طراح: Mikail Çiftçi

## فضای مجازی

### دلنوشته دختر آن دلون برای پدرش

آنوشکا دلون، دختر آن دلون که در فضای مجازی بسیار فعال است به مناسبت درگذشت پدرش که ۳۰ روز از آن می‌گذرد، تصاویر جدیدی از او با متنی احساسی منتشر کرد.

آن دلون روز هجدهم اوت در خانه خود در دوشی در مرکز ناحیه لواز در نزدیکی پاریس چشم از جهان فروبست. پس از مرگ او بسیاری از همکارانش یادداشت‌هایی منتشر کردند. ناتالی بی‌که در «داستان ما» ساخته برتران بلیه با آن دلون همبازی بود، درباره او نوشت: «آن مرد بسیار دوست داشتنی بود.» او با ملانی مودران که نقش دختر او را در یکی از فیلم‌های بازی کرده نوشت: «شما به من اعتماد به نفسی دادید که نداشتم و قدرتی دادید تا بازیگری را ادامه بدهم.»

آنوشکا در جدیدترین یادداشت خود چنین نوشته: «ساعت ۲:۳۰ دقیقه صبح هجدهم ماه اوت ۲۰۲۴... یک‌ماه بدون تو، و این من را مضطرب می‌کند. یک‌ماه بدون لحظات مان. بی‌آنکه دستانت در دستانت باشد و این تا ابد ادامه دارد. یک‌ماه است که هر روز حوالی ظهر دلم برمی‌کشد که با تو تماس بگیرم. مثل هر روز برای مدتی طولانی. اما همه این‌ها مال قبل است...»

«تمام زندگی‌ام دوستت دارم. و همه عمر دلم برایت تنگ خواهد شد... همه عمر جای مردانی مانند تو بااستعداد خالی خواهد ماند. مردانی واقعی. مردانی که هر آنچه می‌اندیشند، بر زبان می‌آورند. مردانی که به حرفی که می‌زنند، فکر می‌کنند. به حرفشان عمل می‌کنند و درباره کاری که انجام می‌دهند، حرف می‌زنند، انتخاب‌های درستی دارند، قولشان، قول است. مانند تو. وفادار. حتی اگر وفاداری معنای ناخوشایندی داشته باشد. تو، اولین مرد زندگی من بودی که همه چیز را به من یاد دادی. دیگر چه کسی می‌تواند به من چیزی آموزش بدهد. چه کسی می‌تواند چنین زندگی طولانی داشته باشد.» چه زیبا هجدهم اوت ماه گذشته نوشتند: «دلون نمرده است. او جاودانه شده.»

### انتشار تصویری از یک مهربانی

یکی دیگر از مطالبی که در شبکه‌های اجتماعی ویرال شده است، تصویری از خودرویی است که پنجره شده و عده‌ای در اطراف آن برای تعمیر دیده می‌شوند. البته تا این جای ماجرا، مواجهه با چنین اتفاقاتی در حاشیه جاده‌ها چیز عجیبی نیست، منتهی ماجرای این عکس کمی متفاوت است.

یکی از کاربران‌کی که تصویر مذکور را منتشر کرده در توضیح آن نوشته است: «راهنده این ماشین یک زن بوده، همراهش هم معلول جسمی. لاستیک خودروی آنان پنجر می‌شود و یک مأمور راهنمایی و رانندگی که متوجه این اتفاق می‌شود به کمک آنان می‌رود.

اگر این اتفاق در اروپا رخ می‌داد شک ندارم که در اینستاگرام و توئیتر حداقل نصف مردم ایران آن را درست به دست می‌کردند و همگی در وصف انسان دوستی‌اش می‌نوشتند! نکته جالب توجه اینکه به رغم نوشته کنایه‌آمیز این کاربر، مردم به انتشار این تصویر و توضیحات آن واکنش نشان داده‌اند. یکی از کاربران نوشته: «خوشحال هستم که هنوز اخلاق و انسانیت نمرده» فرد دیگری این طور نوشته که: «کاش مسئولان راهنمایی و رانندگی از این مأمور تقدیر کنند.» فرد دیگری گفته: «آن وقت تمام تمرکز برخی این است که بگردند به مشکلی در داخل کشور را پیدا کنند و فقط در وصف بدی‌اش بنویسند.»

### نوشته یامین پور درباره نمایش رستم و سهراب

وحید یامین پور، مجری و نویسنده با انتشار پوستر از نمایش رستم و سهراب به تجربه خود از تماشای این اثر تئاتری پرداخته است. در بخشی از نوشته او آمده: به تماشای نمایش رستم و سهراب رفتم. رفتم برای دیدار با آقای فردوسی. هر بار رستم می‌آمد و با رخس گشتی میزد و برسو بازویی به رخ می‌کشید و می‌رفت. من همچنان چشم می‌چرخاندم به دنبال آقای فردوسی.

مردم با دیدن تهمینه و گردآفرید هورا می‌کشیدند و یک شیطان که گویا نفس لؤامه رستم بود می‌می‌آمد و چشم در چشم من می‌ایستاد و لیچار بار رستم می‌کرد... سهراب که به صحنه آمد بغض کردم. دخترکان جوان جیغ کشیدند و دست افشانی کردند؛ نفهمیدم چرا. قیافه سهراب آشنا بود... «نمایش رو به پایان بود؛ رستم و سهراب، پنجه در پنجه، رجز می‌خواندند و می‌جنگیدند. هزاروچهل و چند سال است که جنگ این پدر و پسر روی اعصاب ما ایرانی‌هاست و هزاروچهل و چند سال است که توران، ناخن بهم می‌کشد تا دشنه‌ها زودتر به خون آغشته شود. سهراب به زمین افتاد. صحنه تاریک شد. ناگهان رستم به آقای فردوسی تبدیل شد. دست چپ «دستان» بر پهلو زخم خورده سهراب بود؛ دست راستش را به سمت من دراز کرد. آقای فردوسی فریاد کشید: «کاش فرزندی در لشکر دشمن نداشتم... بغضم ترکید گریه گریه گریه... مردم هورا کشیدند. آقای فردوسی کاری به کار هیاهوی مردم نداشت راهش را کشید و رفت تا دوباره کسی برگردد و از قلب زمان باقی سخن بگوید که چرت و فراموشی ما را به هم بزند و خاطره‌انگیزد.»

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:  
احسان صالحی

• سردبیر:

حسام‌الدین برومند

## نقل قول

### سطح آثار جشنواره تئاتر کودک افت کرده است

نسبت به دوره قبلی کیفیت آثار در این دوره جشنواره بین المللی تئاتر کودک و نوجوان بسیار تغییر کرده است. به نظر می‌رسد در دوره قبلی خلاقیت بیشتری در آثار مشاهده می‌شد اما قطع شدن کارگاه‌های آموزشی و دوره‌هایی که پیش از این برای مربیان و کارشناسان کانون برگزار می‌شد باعث این مسأله شده است. با این حال آثار قابل توجهی که در دستمان رسید و از آنجایی که همکاری من با کانون به گذشته‌های دور برمی‌گردد، می‌توانم بگویم کسانی که در دوره‌های مختلف آموزشی حضور داشتند و از کارگاه‌ها بهره بردند، ردپای حضورشان در این کلاس‌ها و آموخته‌ها، در آثارشان مشهود بود چراکه آثار، درست و منطقی نوشته شده بودند. کارها باید مناسب گروه سنی مخاطب بوده و دغدغه مخاطب داشته باشد. نمایشنامه نیز باید مناسب گروه سنی مخاطب هدف باشد، فن و ساختار با خلاقیت همراه شود و بهره‌برداری خوبی از فضای غیرمستقیم‌گویی و دراماتیک داشته باشد. در هیأت داورى با فاکتورهای نمایشنامه‌نویسی برای کودک و نوجوان آثار را بررسی کردیم و دست به انتخاب آثار زدیم.



بخشی از گفت‌وگوى مهر با «امیر مشهدی عباس» دبیر بیست‌ونهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان

## یادداشت

### تئاتر پر مخاطب؛ نمایش ملی و تاریخی

تئاتر امروز ایران در مصاف ابررسانه‌های غربی و ضعف و عقب‌نشینی انواع پلتفرم‌ها، شاید توانسته مخاطبانی هرچند محدود را حول محور موضوع وحدت ملی گرد آورد و با آفرینش آثاری هرچند گران و دور از دسترس برای عموم، نوعی از تئاتر ملی را با انیکت مخصوص به آن بازآفرینی کند. اگرچه همواره سنت، آیین و قصه از اجزای ساختاری و وجودی تئاتر به شمار می‌روند ولی بهره‌گیری از داستان و قصه غریبومی و اقتباس از آثار ادبی دیگر فرهنگ‌ها با آن‌که می‌تواند در مواردی راهگشا و جهانشمول دانسته شود اما در بسیاری موارد هنرمند و مخاطب آن را ملیس به سلیقه‌ای دور از فرهنگ ملی و قومی خود می‌سازند.



آنچه این روزها تئاتر و ورزش‌دگان آن در غیاب تلویزیون، سینما و نمایش خانگی بدان پرداختند، از نمایش «سی‌صد» سهراب پورناظری گرفته تا نمایش «رستم و سهراب» حسین پارسایی، این‌که دور از پایتخت میلیون‌ها ایرانی‌که از دیدن تئاتر شاخص محرومند کنار گذاشته می‌شوند که همواره این اشکال مزمن تئاتر تلاش کرده تا با تلفیقی از تئاتر آیینی و بهره‌گیری از متدها و روش‌های جدید و روز دنیا به بازآفرینی خویش پرداخته و تلاش کند تا همان حس‌های گفته‌شده را در مخاطب برانگیزد.

این‌گونه از نمایش‌ها با وجود آنکه همه از آخر آن باخبرند و پیروز حقیقی میدان را می‌شناسند، اما باز منتظر پایان آن هستند و مشتاقانه به نظاره آن می‌نشینند که می‌توان آن را جادوی نمایش ملی پرشمر د. پژوهشگران میان دو مفهوم نمایش و تئاتر در ایران تفاوت قائل‌اند: از دیدگاه آنها نمایش ارتباط بیشتری با آیین دارد اما تئاتر زمینی و انسانی‌تر است. پیش از آن تئاتر به ایران را ناشی از ارتباط دربار ایران با غرب و بازگشت دانشجویان تحصیل‌کرده در فرنگ و گسترش آن را حاصل تحرکات و باورهای مشروطه می‌دانند. تئاتر بر این اساس که هنری دراماتیک و احساسی است و ایرانیان که مردمی احساساتی هستند و از قدیم به روایت‌های نمایشی علاقه فراوانی داشتند، جای خود را در میان هنردوستان باز کرد. پیش از آن که تئاتر جدید در اواخر دوره ناصری وارد ایران شود، نمایش‌هایی چون رستم و سهراب و دیگر نمایش‌های مرتبط با واقعه عاشورا و شاهنامه از نمایش‌های پرطرفدار ایرانی بودند. این روزها در کاخ سعدآباد و زمین تنیس مجموعه ورزشی انقلاب همزمان دو نمایش ملی برگزار می‌شود که یکی با موضوع اسطوره و جنگ رستم و سهراب و دیگری با موضوع حمله مغول به شیراز و مقاومت مردم شیراز در مقابل آن است که هر دو در تلاش برای برانگیختن حس غرور و وحدت ملی و زنده نگه داشتن تاریخ پرافتخار هستند. امید که آثاری از این دست و با این رنگ و بو بتواند به سهولت در دسترس عموم هنردوستان قرار گیرد.

مونا محمدنژاد

فعال فرهنگی



تئاتر امروز

ایران در

مصاف

ابررسانه‌های

غربی و ضعف

و عقب‌نشینی

سایر

پلتفرم‌ها،

شاید توانسته

مخاطبانی

هرچند

محدود را

حول محور

موضوع

وحدت ملی

گرد آورد و

با آفرینش

آثاری هرچند

گران و دور از

دسترس برای

عموم، نوعی

از تئاتر ملی

را تا انیکت

مخصوص به

آن بازآفرینی

کند

## عکس نوشت



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید



تمام چیزی که ما باید درباره‌اش تصمیم بگیریم این است که در زندگی با زمانی که به ما داده می‌شود چه کار کنیم؟

اریاب حلقه‌ها  
پیتر جکسون

## درنگ

«عمو پورنگ»؛ نوستالژی خاطره‌انگیز

### تأملی بر سریال «لالایی»

خاطره بخش زیادی از بچه‌های دهه‌های ۷۰ و ۸۰ با حضور «اریوش فرضیایی» در تلویزیون رقم خورده و تا زمان حال شخصیت «عمو پورنگ» همچنان محبوب و خاطره‌انگیز برای نسل‌ها باقی مانده است؛ به‌طوری که بعد از دفاع این شخصیت از حقوق کودکان در مقابل سیل محتواهای غیر اخلاقی و بزرگسالانه در موسیقی‌های مبتذل، ساسان حیدری یافته (ساسی مانکن) در یک موسیقی کوتاه (دیس ترک) به «اریوش فرضیایی» حمله لفظی داشت که با سیل دفاعیه دوستداران «عمو پورنگ» مواجه شد و همین موضوع همچنان پر محبوبیت «عمو پورنگ» صحنه گذاشته است.

بعد از ساخت و پخش سریال بالش‌ها در سال ۱۳۹۷ توسط «احمد درویشعلی‌پور»، این بار این کارگردان با مجموعه «لالایی» در شبکه نمایش خانگی با حضور مجدد «اریوش فرضیایی» و بازیگران نام‌آشنایی مانند «گوهر خیراندیش، نعیمه نظام‌دوست و خانواده امیرسلیمانی» بازگشته است. نکته‌ای که بسیار در ساخت ژانر کودک و حتی نوجوان مهم است، پرداختن به مسأله نبود خودکفایی و استقلال در سنین پایین نسبت به انجام کارهای بزرگسالانه است. آنچه‌آن‌که حتی در فیلم‌های کودک امروزه به‌وفور ما با بحث سپردن مسئولیت بزرگسالان به این طیف از سنین مواجه هستیم و به همین سبب کودک و نوجوان در هرگونه ناآرامی و التهابات اطراف خود به صورت خودکفا و بدون احساس نیاز به راهنمایی بزرگسال احساس کنشگری می‌کند که در نهایت چیزی جز آثار و نتایج منفی در جامعه به‌بار نخواهد آورد.

در سریال لالایی علاوه بر موسیقی کودک با شعرهایی مبتنی بر مفاهیم تلاش، کار، امید و محبت که یک نوع افضای کار داریوش فرضیایی است، این نکته مثبت حائز اهمیت است که کودک درگیر دنیای کودکی خود است و بزرگسالان با همان فضای فانتزی موردبشد مشغول حل مشکلات هستند، آنچه‌آن‌که حتی در صحنه‌ای برای تعمیر آبگرمکن، نوجوان کاربلد در کنار یک بزرگسال ایستاده و دست به هیچ‌یک از ابزار نژده و تمام کارها با راهنمایی لفظی نوجوان و کار فیزیکی بزرگسال به اتمام می‌رسد.

در دنیایی که امروزه کودکان و نوجوانان به امور بزرگسالان پیوند خورده‌اند و از همان ابتدا اگرچه با ناامیدی برای نفی آن دست به گریبان هستند، امید دادن به این قشر امر پسندیده و مورد نیاز است اما به شرط آنکه بدانند که مسیر روشن امید با هدایت و خوب شنیدن از یک بزرگسال ممکن است.

مسأله مجموعه «لالایی» تا به اینجا قصه تلاش و امید بده حتی در لحظه آخر که ورق برمی‌گردد و درنتیجه همه چیز خوب خواهد شد، هرچه شر است مکافات می‌بیند و کینه جز سباهی در دل فرد، آسیبی برای بقیه نخواهد داشت.

در کنار موضوع اصلی داستان و صندوقچه جادویی آن پرداختن به موضوعاتی مانند حفظ محیط زیست ارزشمند است، آن هم برای نسل‌های کمتر این غدغه را از گذشتگان خود به ارث برده‌اند. سریال لالایی در اوایل مسیر خود برای بازخورد قرار گرفته و باید دید در انتها چقدر به هدف خود دست پیدا کرده و مخاطب خودش را راضی نگه داشته است.

با اینکه کار کودک و نوجوان ساختن بسیار سخت است، آن هم در پلتفرم‌هایی که پراز محتوای بزرگسالان است یا در نهایت کار پلتفرم‌ها برای این سنین دوبله انیمیشن‌های خارجی است، تولید چنین آثاری حسارت ساخت بیشتر ترا به دغدغه‌مندان این عرصه می‌هد و امید که در آینده شاهد کارهایی خوش‌ساخت با محتوای مطلوب و کارشناسی شده برای کودکان و نوجوانان ایران زمین باشیم.



در سریال

لالایی علاوه بر

انکار موسیقی

کودک با

شعرهایی

مبتنی بر

مفاهیم تلاش،

کار، امید و

محبت که یک

نوع افضای

کودک درگیر

دنیای کودکی

خود است و

بزرگسالان

با همان

فضای فانتزی

موردپسند

مشغول حل

مشکلات

هستند



نمایش

«حیدر بابایه سلام»

مقارن با سالمرگ

محمدحسین

شهریار و روز ملی

شعر و ادب پارسی،

نمایش «حیدر بابایه

سلام» به کارگردانی

«عبدالحسین لاله» از

۱۵ الی ۲۷ شهریورماه

۱۳۰۳ در تالار تربیت

تربیتی روی صحنه

رفت. نمایشنامه

«حیدر بابایه سلام»

در سال ۱۳۷۱، اولین

اقتباس از منظومه

مرحوم «شهریار» به

زبان ترکی آذربایجانی

و فارسی، توسط

«عبدالحسین لاله»

در ۱۸ برده نوشته

شده است.

عکس:

منتهای

مهر